



کمان

نشریه‌ی مستندهای تلویزیونی

شماره‌ی ۲۴

پنجشنبه ۱۶ آذر ۱۳۹۶

نگاهی به مستند

«عمواوغلی»



وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا
سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ
حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ

و آنان را که آیات
ما را دروغ انگاشتند،
از راهی که خود
نمی‌دانند به تدریج
خوارشان می‌سازیم.

قرآن کریم، سوره الأعراف
آیه ۱۸۲



کمان

نشریه‌ی مستندهای تلویزیونی

شماره‌ی ۲۴، پنجشنبه، ۱۶ آذرماه ۱۳۹۶



نویسندگان:

رحیم ناظریان | مهدی اسدزاده | سهیل محمودی

همکاران:

مطهره کشاورز | اکرم سادات فاطمی | مهدی مجد | زکریا زرگانی
یاسر صدرنژاد | محمد حسین شفیق

عکاس:

سهراب خانزاده

مدیر هنری:

علیرضا بخشی

با سپاس از دبیرخانه‌ی جشنواره مستند
و کارکنان محترم خانه مستند انقلاب اسلامی

نشانی:

تهران، خیابان ولی عصر، بالاتر از پارک ساعی، جنب بیمارستان
مهرگان بن بست مهرگان، پلاک ۳
تلفن: ۸۸۷۸۳۶۴۵ ۸۸۷۸۳۶۵۰، کد پستی: ۱۵۱۶۷۳۵۶۱۴
خواننده‌ی گرامی، تمام شماره‌های نشریه‌ی کمان را می‌توانید از
سایت زیر دریافت کنید
www.khanemostanad.ir

خانه مستند

انقلاب اسلامی





تورج ژوله | مشاور کارگردان

نویسنده: مهدی اسدزاده

تورج ژوله سال‌های ساله که در مورد هنر و صنعت فرش بافی پژوهش می‌کنه. اون قدر در مورد فرش می‌دونه که هر بار از راسته‌ی فرش فروش‌های بازار رد میشه، خنده‌اش می‌گیره. خیلی از فروشندوها چیز زیادی از طرح‌ها و نقشه‌ها و تاریخچه فرش‌های مشهور نمی‌دونن. اما در عوض، قسم خوردن و خلاف گفتن رو خوب بلدن. مثلاً تا همین یکی دو سال پیش همین فروشندوها خیلی از فرش‌های قدیمی بافت مشهد رو با این ادعا می‌فروختن: طرح و نقشه و بافتش مال برادرهای عمو اوغلیه. شاهکاره. حالا ولی جرات این کار رو ندارن. بعد از این که تورج ژوله، باعث و بانی ساخت یه مستند در مورد برادران عمو اوغلی شد، همه می‌دونن که نمی‌شه هر فرشی رو به اون‌ها نسبت داد. ولی خب هنوز هم حرف‌های غیرواقعی زیادی تو حجره‌های فرش فروشی رد و بدل میشه. تورج ژوله باید از ساخت مستندهای زیادی حمایت کنه...



فرش ایرانی، زیردست برادران عمواغلی

علی جلالی در مستند «عمواغلی» داستان تاثیر خاندان عمواغلی بر بافت فرش‌های بسیار ویژه را بررسی می‌کند. به گزارش روابط عمومی جشنواره تلویزیونی مستند، تورج ژوله کارشناس فرش و مشاور کارگردان مستند «عمواغلی» درباره این مستند گفت: آقای جلالی، کارگردان مستند «عمواغلی» با توجه به سابقه من در حوزه فرش، از من خواستند که سوژه‌ای مربوط به فرش برای تولید این مستند به ایشان معرفی کنم و من هم خانواده عمواغلی را معرفی کردم که تاثیر زیادی بر هنر فرش بافی ایرانی داشته‌اند. این سوژه را پذیرفتند و با سفر به مشهد و شهرهایی که مربوط به این قصه می‌شد پژوهش کار آغاز شد.



تورج ژوله

نویسنده:

سهیل محمودی



ژوله اضافه کرد: یکی از نقاط مثبتی که این فیلم دارد، بخش پژوهش آن است که بسیار دقیق انجام شده است. معمولاً فیلم‌هایی که راجع به فرش تولید می‌شود بیشتر به جنبه‌های زیبایی تصویری توجه دارد، ولی این مستند بیشتر نگاه پژوهشی به هنر فرش دارد. شخصیت عموآوغلی در این مستند فقط روایت می‌شود و در نهایت اصلاً مورد قضاوت قرار نمی‌گیرد. قضاوت کردن در مورد این مستند به مخاطب سپرده می‌شود تا تشخیص بدهد عموآوغلی چه تاثیری بر هنر فرش بافی ایرانی داشته است.

وی تشریح کرد: خانواده عموآوغلی در زمان انقلاب مشروطه از آذربایجان به مشهد مهاجرت می‌کنند و بعد که پدرشان فوت می‌کند دو پسر او در مشهد شروع به بافتن فرش می‌کنند. این در دوره معاصر، بزرگ‌ترین رزنانسی است

که در هنر فرش ایران اتفاق افتاده است. بزرگ‌ترین فرش‌های ریزبافت تاریخ را این دو برادر بافته‌اند. برخی از این کارها حتی با ماشین‌های ریسندگی و بافندگی امروزی هم امکان پذیر نیست.

ژوله در ادامه اضافه کرد: مهم‌ترین و گران‌قیمت‌ترین فرش‌ها را در ایران همین برادران عموآوغلی بافته‌اند. فرش‌هایی که در کاخ‌ها و موزه‌ها امروزه می‌توانیم ببینیم. این فرش‌ها با تکنیکی بافته شده‌اند که با خود این برادران به گور رفته و کسی راز آن را نمی‌داند. به همین دلایل بود که مستند «عموآوغلی» تولید شد.

مستند «عموآوغلی» به کارگردانی علی جلالی تولید شده است و با پذیرفته شدن در فصل سوم جشنواره تلویزیونی مستند در تاریخ پانزدهم آذرماه ساعت ۱۹:۳۰ در قالب برنامه تلویزیونی جشنواره مستند روی آنتن شبکه مستند سیما می‌رود.



پوستر فیلم مستند
«عمو آوغلی»

«هنر»، زیرپای ما!

نقدی بر مستند عمواغلی

نویسنده: رحیم ناظریان

بودن یا نبودن فرش ایرانی و مراحل تولید یا خلق آن، موضوعی است که در این نقد می‌تواند زمینه‌ای برای درک و دریافت و یا بررسی آن باشد.

با این حال در مستند «عمواغلی» بسته و گریخته به این موضوع و ماهیت هنری فرش اشاره شده است و مستندساز سعی نموده تا علاوه بر معرفی شخصیت مشهور در فرش ایرانی، به این مسئله نیز بپردازد. به طور مثال علاوه بر نشان دادن نظر پرویز تناولی، کارشناسان دیگری نیز درباره تأثیر «عمواغلی» بر فرش ایرانی نکاتی می‌گویند و یکی از آنها اشاره می‌کند که او فرش ایرانی را احیا می‌کند و آن را به طرف شکوه ماقبل خود، یعنی دوران صفوی برمی‌گرداند و به همین دلیل «عمواغلی» چیزی به فرش ایرانی اضافه نمی‌کند بلکه به آن رونق می‌دهد. علاوه بر این، مستند «عمواغلی» از زبان افرادی دیگر در باب هنر و هنرمند

«پرویز تناولی» در مستند «عمواغلی» اشاره‌ای بر هنر نبودن فرش‌بافی ایرانی دارد و می‌گوید طبق طبقه‌بندی غربی‌ها، «فرش» هنر نیست و برعکس در ایران هر چیزی را می‌توان هنر نامید از قبیل آشپزی و بافندگی! تناولی فرش را براساس طبقه‌بندی غربی در حوزه صنایع دستی معرفی می‌کند و با این رویکرد یکی از مطرح‌ترین دست اندرکاران فرش ایران یعنی «عمواغلی» را نه هنرمند بلکه بالقب استاد می‌شناسد. این که فرش ایرانی را هنر بدانیم یا به جای اطلاق صفت «هنر» آن را «کاری هنری» قلمداد کنیم، بحثی است که جدای از مفهوم و موضوع مستند «عمواغلی» است. این که بافنده مشهور فرش ایرانی، اساساً هنرمند است یا تنها یک استادکار، همچنان در تقسیم‌بندی هنرها قابل بحث است و خیلی مربوط به نقد این مستند نیست. اما دلیل پرداختن به هنر



بودن نیز نقل‌هایی دارد. بنابراین مستند «عمواوغلی» بی‌طرفانه دیدگاه‌های مختلفی را در مورد یکی از چهره‌های مطرح فرش ایرانی بیان می‌کند. مستند «عمواوغلی» با تکنیک مصاحبه و بهره بردن از تصاویر آرشیوی، زندگی و تلاش شخصی را به تصویر می‌کشد که امروزه سال‌ها بعد از درگذشتش همچنان در سراسر دنیا علاقه‌مندان به فرش ایرانی وی را می‌شناسند و نامش به عنوان یک برند هم در هنر فرش و هم در زمینه تجارت قابل توجه است. با وجودی که روایت، حول محور همین کاراکتر یاد شده است اما در بخش‌هایی از مستند، تاریخ فرش ایران، نکاتی مختصر درباره سبک و سیاق فرش در دوران قاجار و صفوی، معرفی اساتید دیگر این رشته، پرداختن بر مقولاتی همچون «هنر» بودن یا «حرفه» بودن فرش، شکوه و افول هنر فرش ایرانی در دوره‌های مختلف، کارکرد فرش در دوره پهلوی، حکومتی بودن سفارش‌های کلان، نرخ دستمزد بافندگان و کارگران فرش از گذشته تا کنون و شرح سختی‌های زندگی آنان و... پرداخته می‌شود. نکات یاد شده در کنار موضوع اصلی مستند یعنی

بیوگرافی «عمواوغلی»، از سویی به عنوان یک پیش‌نیاز برای شرح و درک بهتر موضوع، لازم به نظر می‌رسد و از سویی دیگر این حاشیه رفتن‌های مکرر، این نقد را طرح می‌کند که مستندساز در ارائه یک روایت منسجم، موفق عمل ننموده است. انسجام در موضوع آن هم برای سوره‌ای همچون فرش که حاشیه‌های زیادی را در اطراف خود دارد در چنین مستندی بیشتر می‌تواند بر کلیت اثر تاثیر مثبت بگذارد. با چشم پوشی از برخی پلان‌هایی که درباره حاشیه‌های خارج از بیوگرافی «عمواوغلی» است می‌توان این روایات فرعی در فیلم را با دلیلی تحت عنوان «زمینه‌چینی» توجیه کرد اما به طور مثال نمی‌توان از تیتراژی پایانی فیلم گذشت و آن را همان نمونه‌ای از عدم انسجام موضوع ندانست. در طول بیش از یک ساعت از زمان مستند «عمواوغلی»، آنچه پیدا است ارجح بودن خود کاراکتر محوری است. اما تیتراژی پایانی، اشاره‌ای بر کودکان کار دارد. انگار فیلم کاملاً درباره کودکان کار است و این تیتراژ توضیحی بر این ادعاست. اما در خود مستند فقط آن هم در یکی دو پلان آرشیوی در حد چند ثانیه، چند

کودک قالی باف به تصویر می‌آیند و تمامی مستند درباره خود «عمواوغلی» و تلاش برای احیای فرش ایرانی است اما ناگاه با اتمام فیلم، آن توضیح با آن محتوا درج می‌شود که اساساً هیچ ربطی به موضوع فیلم ندارد. انگار این تیتربرای فیلمی دیگر است و اشتباه‌ها در پایان این مستند درج شده است:

«در دوره رضا شاه، اشتغال پسران زیر ۱۸ سال و دختران زیر ۱۰ سال در کارگاه‌های قالیبافی ممنوع اعلام شد؛ امروزه نیز در ایران، ممنوعیت کار کودکان کمتر از ۱۵ سال، مصوب است.»

یقیناً پانویس‌ها و میان‌نویس‌ها در سینما بیان‌گر و شارح موضوع و مضمون فیلم هستند و این در حالی است که به هیچ عنوان مستند «عمواوغلی» درباره موضوع قالی‌بافی کودکان نیست و اشاره‌ای اتفاقی بر یک تصویر آرشیوی و قالی‌بافی چند کودک، هیچ ربطی به این متن ندارد. این نمونه و نمونه‌های دیگر که در سطور پیش بیان شد، این شائبه را ایجاد می‌کند که مستندساز برای کلید زدن مستندی بلند، نتوانسته بر حذف آنچه با موضوع اصلی در وحدت نیست،

همت گمارد.

پرداختن به موضوع حقوق بسیار کم در دوران پهلوی برای قالی‌بافان می‌تواند به عنوان عنصر روایی و زیرکانه در شرح حال و هوای دوران کاری «عمواوغلی» باشد اما از نظر محتوا هیچ ارتباطی به موضوع فیلم که بیوگرافی آن کاراکتر است، ندارد. شاید در صورتی می‌توانستیم وجود پلان‌هایی در رابطه با کار کودکان یا حقوق کارگران و یا هر کارگرو یا بنده دیگری را در این مستند بپذیریم که کارگردان با اشاراتی مستقیم، وجود چنین حق خوری را مثلاً در کارخانه فرش‌بافی خود «عمواوغلی» نیز بیان می‌کرد. در این حالت بود که می‌توانستیم بپذیریم رابطه‌ای بین رنج کارگردان و کودکان و موضوع مستند وجود دارد.

مستند «عمواوغلی» همچون بسیاری از آثاری که در این جشنواره به آن پرداخته شد با مصاحبه شکل گرفته است. مصاحبه و گفتگو با همان سویه اطلاعات محور و رد و رو! آدم‌هایی که اطلاعاتی از سوژه مستند دارند، بی‌شکل و بی‌هیچ چالشی روبروی دوربین مستندساز می‌نشینند و خاطره‌گویی می‌کنند و البته برخی از حرف‌ها و نکته‌هایی که بیان

می‌کنند با تلاش مستندساز با تصاویر آرشیوی کامل می‌شود. شاید لازم به توضیح هم نباشد که کارکرد مصاحبه چیست و مستندی که با تکنیک مصاحبه و گفتگو پیش می‌رود چه چالش‌هایی در تصویرسازی و اصالت سینمایی دارد.

در مستند «عمواوغلی» چهره‌هایی همچون پژوهشگران فرش، متولیان بافت فرش، آنهایی که در گذشته برای «عمواوغلی» کار کرده‌اند، خانواده عمواوغلی و مدرسان و نویسندگان مرتبط با فرش حضور دارند و بی‌هیچ حرکت خلاقانه‌ای تنها به بیان موضوع می‌پردازند. آنچه مشخص است پر شدن بخش اعظمی از مستند با شکلی شنیداری است. به عبارتی آدم‌هایی که حرف می‌زنند به این دلیل که در مکانی غیرتکراری و منفعل حضور دارند، جذابیت بصری ندارند و تنها صدا و کلامشان است که مورد توجه قرار می‌گیرد و این برای سینما کفایت نمی‌کند. بخش دیگری از فیلم را نیز تصویریری از فرش‌ها و قالبیافان و تصاویر آرشیوی پرمی‌کند. اما آنچه به نظر نگارنده توسط

مستندساز فراموش شده، بحث ریزی‌نی در برداشت تصویریری است که خود به خود روایت را پیش برند. البته این پیشنهاد یا انتقاد اینجا به این دلیل دارای اهمیت است که سوژه مستند خود پدیده یا کاری هنری است و یا حتی اگر فرش را به عنوان حرفه‌ای صنعتی قلمداد کنیم نمی‌توانیم نقش و نگاری که از دوران باستان تاکنون در آن به کار رفته را از یاد ببریم. می‌توانیم برخلاف نظر «تناولی» فرش را در درده هنرهای دستی بنامیم. به نظر، «تناولی» این نکته را از یاد برد که اگر حتی قرار باشد فرش ایرانی را با رویکرد و تئوری غربی بسنجیم، این پدیده همچنان در زمره هنرهای هفتگانه نیز قابل تایید است. انگار «تناولی» یادش رفت که در همان تعریف غربی و در همان تقسیم بندی غربی‌ها از هفت هنر، هنرهایی تحت عنوان هنرهای دستی و یا هنرهای تجسمی وجود دارد. نقاشی یا طراحی در آن تقسیم بندی زیر مجموعه هنرهای ترسیمی‌اند و حتی می‌توان فرش را در هر کدام از سه تقسیم بندی فوق نیز لحاظ کرد. از سویی ملاک هنر بودن یک پدیده در مباحث تئوریک غربی، داشتن چند

می‌توانیم برخلاف
نظر «تناولی» فرش
را در درده هنرهای
دستی بنامیم. به نظر،
«تناولی» این نکته را
از یاد برد که اگر حتی
قرار باشد فرش ایرانی
را با رویکرد و تئوری
غربی بسنجیم، این
پدیده همچنان در
زمره هنرهای هفتگانه
نیز قابل تایید است.

فاکتور اصلی و ابتدایی است که عبارت است از: تخیل، احساس و عاطفه و چند معنایی بودن. بنابراین فرش ایرانی، هر سه ویژگی هنر قلمداد شدن حتی از نظرگاهی غربی را نیز دارد. حال باید گفت در مستند «عمواوغلی» مواجهه فیلمساز با پدیده‌ای هنری چه بوده است؟ آیا حتی کلمه‌ای تحت عنوان «قالی» ذهن را به سوی جهانی متفاوت با پیچیدگی‌های عجیب و غریب نمی‌برد؟ منظور، تولید مستندی شاعرانه نیست. شاید این نگاه، مقبول خیلی از دست اندرکاران مستند نباشد اما آیا اتمسفر یک فیلم که در مورد فرش ایرانی است تنها با جانمایی چند مصاحبه شونده در یک گراندی پراز فرش شکل می‌گیرد؟ این که آدم‌هایی در محل کارشان که یا با فرش انباشته شده و یا نشانه‌هایی از فرش در کنارشان وجود دارد را طعمه دوربین نماییم، آیا به اتمسفری در قبال فرش ایرانی نایل آمده‌ایم؟ آیا تصویر یک پژوهشگر با چند کتاب روی میز در موضوع فرش ایرانی، راهی هنرمندانه برای ایجاد فضا است؟ یا این که مستندساز باید چیزی را با دوربینش نشانمان دهد

که آن لایه‌های زیرین ماهیت فرش ایرانی را با زبان سینمایی بیان نماید؟ آنچه از باورهای مذهبی و اساطیری، نگاهی متافیزیکی بر هستی، تخیلی ماورایی که نخ و پشم را به اثری دیداری و خلاقانه تبدیل می‌کند، مفهوم ذاتی گره‌های فرش بافی و هزاران ریزه‌کاری دیگر، مواردی است که دوربین می‌تواند با تجسس در اشیاء و طبیعت پیرامون نشانمان بدهد. آیا آنچه از انتزاع و تجرید در قالی بافی و فرش ایرانی در ذهن ما نقش بسته را می‌توان با مصاحبه‌ای عربان و بی‌ذوق تصویر کشید؟ آیا دوربین سینما این قدرت را ندارد که همچون یک فالپچه دیواری کمی رویایی تربه جهان بنگرد؟ یقیناً می‌تواند! اما طرز تلقی اشتباه از مفهوم اتمسفر در سینما باعث می‌شود به جای این که دوربین در خدمت سینما باشد و هنر را بسازد، به طرف صحنه آرایشی در محیطی پراز فرش برود. حتی وقتی مستندساز از اتاق کار مصاحبه شونده‌گان نیز بیرون می‌آید و در کارگاه رنگرزی نخ‌های فرش حضور دارد همچنان جز چند پلان کوتاه، چیزی از ماهیت نخ‌ها نشانمان نمی‌دهد و دوباره

روی چهره آدم‌هایی مکث می‌کنند که تنها صدایشان برای ما اهمیت دارد و نه قیافه و ترکیب چهره‌شان!

تا چه میزان، رنگرزی و آن پیچ و تاب نخ‌ها بر طناب‌ها می‌توانست بر اتمسفر فیلم، غنای بیشتری ببخشد؟ تا چه میزان می‌شد از گرافیک و طرح و شمایل گره‌قالی، نمونه‌هایی درخشان در طبیعت یافت؟ آیا جهان پیرامون ما سرشار از المان‌هایی در راستای نزدیک شدن معنا در حوزه فرش ایرانی نیست؟

در پایان، یک مثال: «فریدون رهنما» در یکی از فیلم‌هایش تحت عنوان «سیاوش» در تخت جمشید» از نقش گل نیلوفرآبی در آثار باستانی تخت جمشید، تصاویری پخش می‌کند. نقش گل نیلوفرآبی روی اشیاء، روی تسلیحات نظامی، روی ستون‌ها و سنگ برجسته‌های دیوار، روی تاج پادشاهی سیاوش، باریتمی تند نشان داده می‌شود. حتی شاهدیم که یک مرد، نقش این گل را بر روی دیواری حکاکی می‌کند، یا اشیایی را در موزه می‌بینیم که باز با نقش این گل ساخته شده‌اند. به عبارتی تصاویری از چگونگی استفاده از نقش گل نیلوفرآبی در دوران باستان در

ساختمان تخت جمشید و در تزیینات اشیاء در پلان‌هایی پی در پی را شاهدیم اما ناگاه در لابلای خرابه‌های باستانی تخت جمشید و ستون‌های افتاده، تصویری از خود واقعی یک گل نیلوفرآبی را می‌بینیم؛ تاویل شکل می‌گیرد. این که تاریخ در حال نابودی جهان و همچنان این گل نیلوفر در حال رویش است. یا تاویلی دیگر این که بشر در ساخت و تزیین این آثار باستانی از طبیعت الهام گرفته است و این گل چه قبل از شکل‌گیری آن تمدن و یا حتی بعد از نابودی آن، همانجا مجدداً می‌روید. در مستند «عمواوغلی» موضوع، هنری است و شرح ماجرای آثاری هنری به تصویر می‌آید اما شما جز تصاویری مستقیم از خود فرش، چیز دیگری نمی‌بینید. یک ماجراجویی در تصاویر، یا بازی با عناصر تاویل پذیر در فیلم وجود ندارد.

آنچه «فریدون رهنما» در آثار باستانی دید، در خود طبیعت نیز آن را یافت و بسیار هنرمندانه در فیلم از آن بهره برد. یقیناً در مستند «عمواوغلی» نیز از فرش و قالی بافی بیشتری توان نمونه‌هایی در دل طبیعت یافت که متأسفانه در زیر سایه مصاحبه‌ای خشک، فراموش شده است.

جشنواره تلویزیونی مستند

Documentaries

The First TV Festival of The
Mostanad TV Holds

روایت حقیقت در قلاب واقعیت
شبکه مستند برگزار می کند

فصل سوم نخستین جشنواره مستند

روزهای زوج | ساعت ۱۹:۳۰ از شبکه مستند

بازپخش ساعت ۹ روز بعد

برای شرکت در مسابقه پیامکی
کد فیلم «عمو اوغلی» D3



جشنواره مستند

شما می توانید بعد از تماشای هر قسمت امتیاز خود را از یک تا پنج ستاره از طریق سامانه پیامکی ۳۰۰۰۰۸۱ با زدن کد فیلم به همراه عدد ستاره مورد نظر ارسال نمایید. ضمناً می توانید از طریق کانال اطلاع رسانی جشنواره به آدرس @festmostanad و یا وبسایت جشنواره به آدرس www.festmostanad.ir در این نظر سنجی شرکت کنید.